

خطوطی از علم الجمال (زیبایی‌شناسی) معماری اسلامی، به ویژه

در بنای مسجد

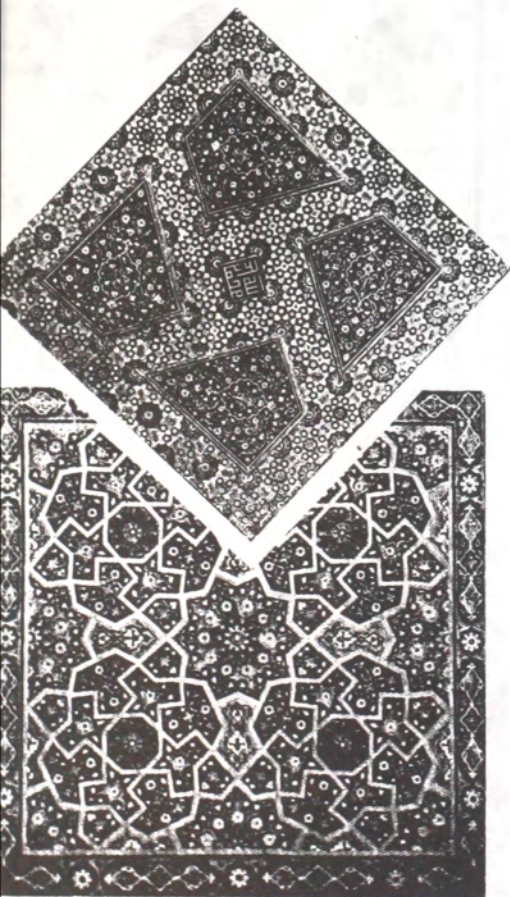
دکتر علی اکبر خان محمدی

”اللَّهُ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ“

هنر معماری اسلامی جهات مختلفی برای بحث دارد که یکی از آن‌ها می‌تواند مبحث زیبایی‌شناسی این هنر اصیل و قدیمی جهان اسلام باشد. آنچه تاکنون کار زیادی راجع به آن نشده و جا دارد که با معیارهای ویژه زیبایی‌شناسی اسلامی بدان پرداخته شود.

آنچه گذشت مقدمه‌ای بود برای معرفی کتاب ارزشمندی در زیبایی‌شناسی هنر اسلامی که اخیراً توسط محقق عربی، به زبان عربی، تحت عنوان ”مدخل الی علم الجمال اسلامی“، از عبدالفتاح رواس قلعه‌جی در آمده و بخشی از آن طبعاً به زیبایی‌شناسی معماری اسلامی اختصاص دارد.

مؤلف در این بخش از کتاب ضمن بررسی موارد ظاهری و درونی این معماری بر طبق الگوهای اسلامی و شرعی نتیجه می‌گیرد که تمام موازین این معماری از آیین مقدس اسلام نشأت گرفته، از جمله ظاهر مسجد با مناره و شبستان و صحن (مساجد اهل سنت) شباهت به کلمه الله دارد. کاشی‌های الوان و به ویژه آبی آسمان آن یادآور آسمان آبی است. گنبد با عظمت آن یادآور عظمت آسمان و الوهیت دینی است. کتیبه‌های اطراف کلام خداوند و رسول را بازگو می‌کنند و مقرنس‌ها و سردرها و غیره همگی نمادهایی هستند از آموزش‌های دیانت مقدس.



(چنانکه در نوشته حاضر مورد اشاره قرار گرفته) مشهود است.

باری، غرض از بیان مقدمه کوتاه فوق اشاره به کتابی است که در این اواخر به زبان عربی تحت عنوان "مدخل الی علم الجمال الاسلامی" (مدخلی بر علم زیبایی شناسی اسلامی) توسط یک محقق عرب، "عبدالفتاح رواس قلعه جی"، از انتشارات دارالتقید - بیروت، به رشته تحریر کشیده شده است و چنان که از نام آن پیداست، مؤلف مباحثی را به زیبایی شناسی هنرهای اسلامی اختصاص داده است. از آن میان مبحث معماری و به ویژه معماری مساجد اسلامی دارای اهمیت بیشتری بوده و لذا از جانب نگارنده این سطور برای ترجمه و تقدیم به مجمع انتخاب گردید: نکته در خور توجه آن که مؤلف اکثر نمونه‌ها را از معماری ایران اخذ و در کتاب خود آورده است.

زیبایی شناسی اسلامی در بناهای مسلمین

مسجد از بارزترین بناهای دینی و نمودار کامل شهرنشینی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود. این جا مکانی است که در آن نماز گزارده می‌شود، مدرسه‌ایست که فرزندان مسلمین در آن جا تعلیم می‌بینند، مکانی است که به منزله مقر حکومت و شؤون مملکتداری است، محل اطعام و میهمان‌داری است، مکان قضاوت و اجرای حکم است. جایی است که در آن جا قشون جمع و تجهیز می‌شوند، لذا با این اوصاف در تأسیس شهرهای اسلامی مسجد نخستین جایی بود که محلی برایش در نظر گرفته می‌شد.

در بین مساجد مسجد جامع مکانی است که عموماً در وسط شهر و یا میان مناطق مسکونی قرار دارد و در آن جا نماز جمعه و نماز اعیاد اسلامی منعقد می‌گردد. اما مساجد دیگر که بنا به ضرورت توسعه شهرنشینی ایجاد می‌شوند مکان ادای فریضه‌های پنجگانه هستند. بدیهی است همراه توسعه شهرها

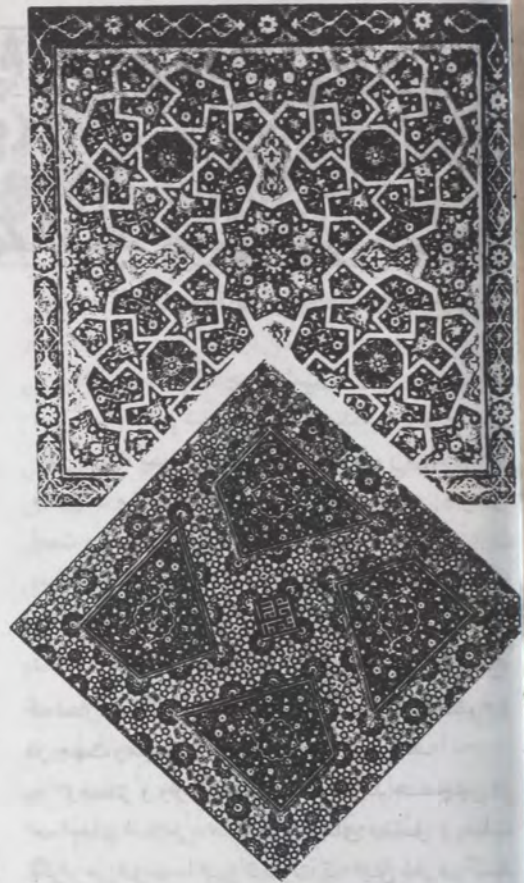
عین تکریم و تعظیم هنر اسلامی و اشاره به ابعاد وسیع و جهات عالیّه آن، در تحلیل نهایی چیزی جز مقداری ابعاد و اندازه‌ها، و حداکثر مقایسه این هنر با یکی دو مکتب هنری غربی چیزی ارایه نداده‌اند.

اما حق مطلب این است که مجموعه‌ای از معارف، از اشکال و از ابعاد روحانی و الهی که تحت عنوان عمومی هنر اسلامی شناخته شده‌اند چیزی است فراتر از ابعاد و اندازه‌ها، رنگ‌ها و طرح‌ها و خلاصه هر آن چیز که در باب دیگر هنرهای جهانی مصداق دارند. زیرا در این جا شخص در حقیقت با یک اعتقاد سر و کار دارد. به عبارت صحیح‌تر با یک اعتقاد مجسم روبرو است. اعتقادی که در تمام ارکان و شؤون زندگی یک مسلمان جلوه داشته و رایحه آن از جای جای هنر و معارف او قابل استنشاق است.

همه می‌دانیم که اساس اسلام بر وحدت و یکتاپرستی است: **قولوا لا اله الا الله تفلحوا** (بگویند خدا یکیست تا رستگار شوید). و کلمه مبارکه تهلیل **(لا اله الا الله)** در تمام شؤون حیات مسلمانان ساری و جاری است. نمونه عالی آن معماری اسلامی و از آن جمله مسجد است.

اولین جلوه وحدت در معماری مسجد طرح عمومی آن است که تقریباً در تمام بناهای دیگر اسلامی، چه آن‌ها که صرفاً زمینی هستند (حمام‌ها، کاروانسراها ...) و چه آنان که جنبه الهی دارند (مسجد، مدرسه، مزار ...) تکرار می‌شود. به عبارت دیگر صحن اصلی، شبستان، ایوان، و ... همگی از اجزایی هستند که کمابیش در بناهای دیگر هم کاربرد دارند.

به همین ترتیب، وحدت فوق از رنگ غالب در معماری مسجد (آبی آسمانی یا فیروزه‌ای برای اتحاد با آسمان لایتناهی) از مرکز شهر قرار گرفتن آن چنان که بیشتر در گذشته چنین بود. از گلبانگ وحدت که از مناره‌های آن به گوش مسلمانان می‌رسید، از حرکت مسلمانان به سمت مسجد برای یکی شدن و حتی از طرح ساخت مساجد به شکل کلمه **لا اله الا الله**



پیشگفتار

از ابواب ناگفته هنر اسلامی یکی هم مبحث زیبایی شناسی است. گر چه محققین و صاحب‌نظران زیادی، به ویژه در خارج از جهان اسلام از این امر دم‌زده و نظریه‌هایی در کتاب‌ها و نوشته‌های خود ابراز داشته‌اند، ولی از آن‌جا که هنر اسلامی از اعتقاد اسلامی جدا نیست، لذا هر کس که با این دیانت بیگانه است نمی‌تواند چنان که باید از آن سخن گفته و حق مطلب را ادا نماید. از این جهت، محققین غربی در

تعداد مساجد و از آن میان مساجد جامع نیز رو به فزونی نهد.

از این جهت می‌گوییم که مسجد در اسلام در عین حال نماینده مکانی است برای تجلی جلوه‌های تفکر اسلامی که می‌تواند در سه مقوله اصلی زیبایی‌شناسی اسلامی خودنمایی کند. نخستین آن سه اصل توحید است که برخاستن صدای الله اکبر از آن جا به گوش همگان می‌رسد. اصل دوم وحدت است که با گردهمایی پنج نوبت مسلمین در این مکان و در شبانه‌روز و اعیاد اسلامی تحقق می‌یابد، و اصل سوم حرکت است که به واسطه آن مردم از اقصی نقاط شهر برای تفکر و عبادت به درگاه خداوند و استحکام مؤدّت روحی در مساجد جمع می‌شوند.

اما آن چه از اجزاء معماری مساجد که به این امور کمک می‌کنند عبارتند از: مأذنه (گلدسته) گنبد، شبستان، منبر، محراب و صحن مسجد که مختصری در وصف هر یک می‌آید.

ضرورت مأذنه (گلدسته) از توسعه شهر و نیز ارتفاع ساختمان‌های آن سرچشمه می‌گیرد. یا به عبارت دیگر اشکال در رسیدن صدای مؤذن مگر از ارتفاعی بالاتر از بناهای همسان مسجد. شاید نخستین مأذنه در اسلام مأذنه مسجد جامع اموی در دمشق باشد. علیرغم اختلاف، اشکال مأذنه‌ها عموماً از مربع شروع و به چند ضلعی و نهایت استوانه ختم می‌شد. لیکن ارتفاع این مأذنه‌ها هر چه بلندتر بود به همان نسبت تعبیری بودند از علو مکان و رسانیدن تفکر مؤمن به آسمان، و در نتیجه نزدیکی هر چه بیشتر او به خداوند.

در شکل ظاهری نیز مأذنه در مقام الف آغازین کلمه الله بود، به این ترتیب که معمولاً محل قرارگرفتن مأذنه بالای درب مسجد جامع است، یا در یکی از زوایای آن و بالای دیوار انتهایی که در این حال مأذنه همراه با بقیه بنای مسجد جمعاً تشکیل کلمه الله را می‌دهند (البته در بنای مساجد اهل سنت که یک مأذنه دارند). به عبارت دیگر گذشته از مأذنه که



جهت در بنای مسجد می‌شود به همان قرار سابق باقی است.

دلالتی مشابه آن چه گذشت در تکوین معماری منبر مساجد هم شاهد هستیم، جداشدن از جمع و بالا رفتن به سوی خدا، یا همین طور در معماری محراب مساجد که دارای درگاهی قوسی مرسوم است و به این ترتیب از وظیفه اولیه خود که عبارت باشد از یقین قبله و یا توزیع مناسب صورت و خلاصه تدارک مکانی مجزا برای امام جماعت فراتر رفته و تبدیل می‌شود به مکانی در حد دروازه روح که نمازگزاران همراه با امام جماعت از باب خشوع در جهت رسیدن به الله از آن صعود می‌کنند.

رمز و راز گنبدهای مساجد همچنین در حمام‌های اسلامی، مانند حمام‌های دمشق و حلب تکرار می‌شوند. با این تفاوت که این بار در گنبد حمام‌ها سوراخ‌های پوشیده از شیشه الوان فراوان تعبیه می‌کنند و به این وسیله اشکالی در غایت زیبایی و روشنایی به دست می‌دهند که اغلب شباهت فراوانی به ستاره‌های بزرگ دارند و از این جهت که نور خورشید از ورای آن‌ها برای روشن کردن صحن حمام می‌تابد به این واسطه چون گنبد حقیقی آسمان به نظر می‌رسند. در حمام‌ها عموماً گنبدهای کوچکتری هم با این اوصاف تعبیه شده‌اند که حجره‌ها و صحن‌های مختلف استحمام را تأمیر و روشنایی می‌نمایند.

علیرغم این که مدت زمانی می‌شود که به واسطه ایجاد حمام‌های منازل حمام‌های عمومی از دو خارج شده‌اند، معهذ آن چه از معماری این حمام‌ها به

الف بود، صحن مسجد که بین دو دیوار قرار دارد نشان دهنده دو حرف لام کلمه الله، و شبستان مسقف مسجد حرف‌ها الله را تشکیل می‌دهد. یا به تعبیر دیگر می‌توان گفت گنبد مسجد که رمزی است از گنبد افلاک و با فضای خود مؤمن را در خشوع و تفکرش یاری می‌نماید می‌تواند تعبیر به برجستگی‌های انتهایی کلمه الله گردد.

از جانبی در بنای گنبد و در قسمت‌های فوقانی آن سوراخ‌هایی برای ورود نور آفتاب به داخل فضا و شبستان تعبیه می‌شود که در عین حال از میان آن‌ها آسمان بزرگ قابل رؤیت است. لذا این گنبد را به نوبه خود می‌توان آسمانی به شمار آورد که انوار نور از اطراف آن منشعب است.

در صدر شبستان مسجد محراب و منبر قرار دارند، جایی که کلمه الله و تعالیم اسلام از آن اوج گرفته و به آسمان می‌پیوندد.

و اما می‌ماند حرکت مؤمن چه از جهت معنوی و چه مادی، و آن زمانی تحقق می‌یابد که صدای الله اکبر را از بالای مأذنه شنیده و از فضای باز به فضایی بسته برای حضور در پیشگاه خداوند داخل می‌شود. این نوع حرکت همان چیزی است که به نحو کامل معماری اسلامی را در ساخت بناهای اسلامی تجلی می‌بخشد، یعنی حرکت از فضایی باز به فضایی بسته، علیرغم اختلاف در شیوه‌های این معماری، یا تنگی فضای باز و گستردگی فضاها یا بسته که می‌تواند ناشی از مساحت‌های پیش‌بینی شده برای بنا باشد، یا حتی پیش آمدن مأذنه در فضای وسط مسجد، که به ویژه در دوره عثمانی واقع شد، باز مفهومی که از این

یاد من مانده عبارت از مکان وسیعی بود که در گوشه‌ای از آن خزینه آب گرم بر سکویی برجسته‌تر از صحن حمام قرار داشت و ته آن با سنگ‌هایی مفروش شده بود که از زیر به واسطه آتشیخانه گرم می‌شدند و بر بالای آن نیز گنبد بزرگی با سوراخ‌های پوشیده از شیشه برای نورگیری قرار داشت. هیچ وقت نشد که من به این خزینه نرفته باشم و زمین داغ آن جا و گنبدی که از روزنه‌های آن نور می‌تافت را ببینم و یاد جهنم نیفتم. من در آن زمان طفلی بیش بودم و وصفی که برای من از آتش آخرت شده بود چیزی بود در حد همین زمین داغ و گنبد و روزنه‌های نور.

از جهتی حمام اسلامی برخلاف آن چه برخی پنداشته‌اند نه در شکل معماری و نه از جهت وظیفه‌ای که ادا می‌کرد هیچ شباهتی به حمام‌های رومی قدیم ندارد. لازم به گفتن است که آن چه از مشخصه‌های حمام رومی محسوب می‌شود وسعت جوانب و صحن استحمام که در وسط آن حوضچه استحمام قرار داشته و آب را کدی درون آن بوده است. جمعیت استحمام کننده، از زن و مرد در اطراف آنجا لباس در آورده به داخل حوضچه می‌رفتند. اصولاً چنین جایی از نظر معماری مکانی برای استحمام نبوده و بیشتر به نظر می‌رسد که محل تماس‌های جنسی بوده است. در حالی که حمام اسلامی از جهت معماری علاوه بر این که تصویر بهشت و دوزخ از بنای گنبد و آتشیخانه آن حاصل می‌شد، به انضمام بسیاری از تصورات دیگر، بلکه در حقیقت مکانی بود برای استحمام و استحمام کنندگان از آب نظیف جاری استفاده می‌کردند، در

عین این که رعایت امور اخلاقی و عفت اجتماعی هم به نحو احسن می‌گردید. یعنی برخلاف حمام‌های رومی مردم در این جا مقابل یکدیگر برهنه نمی‌شدند، بلکه حجره‌هایی برای افراد، یا کمی بزرگتر برای خانواده‌ها یافت می‌شد که استحمام‌کنندگان را از چشم دیگران می‌پوشانیدند، و نیز بر در حجره‌ها پرده‌هایی تعبیر می‌شد که داخل آنها دیده نشود.

در حمام‌های اسلامی میان خزینه آب گرم و حوضچه‌های آب سرد حد واسطی با آب ملایم و معتدل پیش‌بینی شده بود که اجازه نمی‌داد استحمام کننده از تغییر ناگهانی سردی و گرم آب در رنج افتد. و در این حمام‌ها پیش‌بینی رختکن شده بود که در اطراف آن سکوه‌های پهن قرار داشت که واردین به حمام یا خارج شوندگان در آن جا راحت می‌کردند. به عبارت دیگر این جا مکانی بود که هم قبل از حمام و هم بعد از آن در آن جا به استراحت می‌پرداختند. استراحتی همراه با در آوردن لباس یا پوشیدن آن. و تازه این رختکن‌ها وظیفه دیگری هم به عهده داشتند که در هنگام صبح باعث سرور و بهجت حمام‌کنندگان می‌گردیدند، به ویژه با حوضچه‌های آبی که در وسط داشتند و فواره‌هایی که آب از آن‌ها جستن می‌کرد و به این ترتیب باعث حظ نظر می‌شدند از همین جهت است که می‌گوییم چنین امور زیبایی شناسانه در معماری حمام‌های اسلامی اصولاً مغایر است با آنچه در حمام‌های نوع رومی قدیم بوده است. چرا که لامحاله این موازین ناشی از مفاهیم اسلامی و برخاسته از زیبایی‌شناسی نوینی بود که از دین حنیف

نتیجه می‌شدند.

اما وضع در خانه‌های اسلامی از چه قرار است؟ برای این امر لازمست نظری داشته باشیم به پاره‌ای خصوصیات خانه‌های ساخته شده بر طبق موازین اسلامی در گذشته. در این جا نیز شاهد هستیم که ابعاد و اندازه‌های این منازل بر طبق معانی و اصول زیبایی‌شناسی اسلامی شکل گرفته‌اند. و اول چیزی که ما در آن جا مشاهده می‌کنیم این است که ورودی خانه‌های اسلامی رو به داخل باز می‌شوند، بر عکس خانه‌های غیر اسلامی و غربی که ورودی آن‌ها از داخل رو به خارج قرار دارند. به عبارت دیگر این امر حاکی از آنست که خانه، مملکت فرد به شمار می‌رود و در آن جاست که خصوصیت و حرمت و اسرار او محفوظ می‌ماند.

دیوارهای خانه از بیرون یکدست و مجرد است که در سرتاسر بنا امتداد دارد، و در آن منفذی بغیر از درب منازل به چشم نمی‌خورد. تمام درهای ورودی منازل در شکل خارجی یکسان هستند، خواه در داخل آن‌ها ثروتمند زندگی کند یا فقیر، از این جهت که اشخاص فقیر به واسطه دیدن سردرهای آراسته اغنیا حسرت نخورند و اذیت نشوند.

چون در گشوده می‌شود غالباً مواجه با دالان طولی می‌شویم که چون صراط، داخل‌شونده را به بهشت خصوصی‌ای هدایت می‌نماید. در عین حال این راهرو یک وظیفه بهداشتی هم عهده دار است که آن حفظ درجه حرارت معتدل است، آن چه واسطه می‌شود میان هوای احياناً گرم بیرون و سرد درون، یا بالعکس.

این دالان به حیاط خانه منتهی می‌شود، جایی که به نوبه خود فضای گشوده دیگری بر آسمان است، آن هم بدون هیچ مانعی. در وسط این حیاط حوضی تعبیه شده و باغچه‌ای و احياناً چاه آب یا مظهر قناتی، به انضمام درختان میوه و بوته‌های گل که این همه بر طراوت و زیبایی آن بیش از بیش می‌افزایند. به واسطه همین بوته‌های گل حیاط خانه همیشه آکنده از



بوهای خوش گل‌ها، چون گل یاسمن، گل سرخ و دیگر ریاحن است.

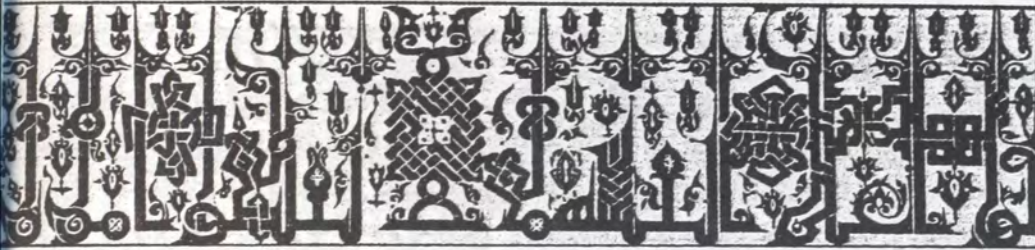
در اطراف این حیاط و ردیف باغچه‌های جانبی آن اطاق‌ها، یا به تعبیر درست‌تر حجره‌های خانه قرار دارند، اطاق‌هایی تو در تو که به ایوانی باز می‌شوند، یا شاه‌نشین، که در تمام اطراف حیاط به چشم می‌خورند و محلی برای استراحت صبح و عصر اعضای خانواده هستند.

و نیز اگر از سطح همین حیاط به وسیله چند پله پایین برویم دالان دیگر، یا معبر کمکی را خواهیم دید که از طرف دیگر و با بالا آمدن از چند پله دیگر به حیاط کوچتری منتهی می‌شود که معمولاً چهار گوش و به آن اندرونی می‌گویند. فضایی خوش آب و هوا و محفوظ از نامحرمان جهت سکونت عایله صاحبخانه. در آن جا اهل خانواده می‌توانند شب‌های تابستان را در فضای باز به صبح آورند و ناظر آسمان و حرکت ماه و سیارات دیگر، و هم چنین ستارگان باشند.

در گوشه و کنار خانه و هر جا که ممکن شده نقوش کنده کاری یا نقاشی گل و بوته در آورده‌اند، درختانی که بلبلان بر آن‌ها در حال خواندن هستند. یا همین طور بر دیوار خانه، بالای سردرها و روی ناودان‌ها و خلاصه هر جا که فضای ساده‌ای به نظر رسیده بر آن جا نقوش زیبایی کنده شده بر سنگ، با اشکال مدور یا هندسی، کاشی‌های الوان و غیره نصب کرده‌اند. به همین ترتیب در محل‌های مناسب کتیبه‌هایی منقوش از سنگ یا کاشی نصب شده که بر آن‌ها کلماتی چون الله، ماشاء الله، هذا من فضل ربی و غیره به چشم می‌خورد.

همچنین مسلمین عادت داشتند قسمت‌های احياناً چوبی درون اطاق‌ها را نیز مزین به نقوش کنده کاری زیبا به قرار ترسیم آیات قرآنی و احادیث، یا اشعاری زهدگرایانه و پندآموز، و یا اشعار تغزلی عقیفانه بنمایند.

در داخل هر اطاق طاقچه‌هایی در بالا و نزدیک



سقف تعبیه می‌شد که صاحب خانه یا اطاق در آن جا کتاب خداوند که به بهترین شکل تذهیب شده بود، کتاب‌های دینی مورد مراجعه، به ویژه کتاب‌های مربوط به اخلاق دینی، و یا کتاب‌های دیگر بر حسب احتیاج و اهتمام اهل خانه و متناسب با فرهنگ آن‌ها قرار داده می‌شد.

از این جهات ملاحظه می‌شود که معماری منازل اسلامی هم نظر به فضاهای گشوده و بسته و دیگر خصوصیات که ذکرشان گذشت اختلاف چندانی با بنای مساجد اسلامی ندارند و با این وصف اگر اجزاء و ارکان خانه را چنان که هست در نظر آوریم، از دالان ورودی گرفته تا صحن حیاط که به آسمان لایتناهی گشوده می‌شود، مقرنس‌ها و پنجره‌های تختانی و فوقانی که به باغ حیاط گشوده می‌شوند، حجره‌هایی که یکی بالای دیگری قراز گرفته و در عین حال دارای منافذ نورگیر هستند، این همه تنها می‌توانند به یاد آورنده غرفه‌های بهشتی باشند که آن گونه در آیات، احادیث و کتب دینی به آن‌ها اشارت رفته است.

همین حالت را تداعی می‌کند صحن حیاط خلوت خانه‌های اسلامی که انسان را به تفکر و تأمل وادار می‌کند. مجموع این فضاها همراه با نقوش، کتیبه‌ها، منافذ و نورگیرهای چشمه‌های آب یا حوض وسط حیاط که چون چشمه کوثر خودنمایی می‌کنند، این همه نمونه‌های کوچکی از باغ بهشت هستند که پرندگان بر شاخسارهای آن جا نغمه‌سرایی می‌نمایند. بنابراین، اگر تمامی این عوامل و جهات را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که شخص مسلمان در هر حال مایل است که خانه او تصویر کوچک شده‌ای از

بهشت موعود خداوندی باشد، آن چنان که در قرآن وصف آن آمده است، و معمار مسلمان در این میان کسی است که امکان تحقق این تمایل را فراهم می‌آورد.

نمونه‌ای دیگر از پیاده شدن اخلاق اسلامی در بناهای جهان اسلام مسأله بیرونی و اندرونی خانه‌هاست. در خانه‌های بزرگ که صاحبان آنان به دلیل مشاغل و مناصب دولتی و دیوانی، یا تجارت و مشغله‌ای که با اطراف داشتند تردد بیشتری داشتند و میهمانان و واردین زیادی را پذیرا بودند ضرورت ایجاد می‌کرد که بنا از دو قسمت مستقل از هم ساخته شود. قسمت بیرونی که مخصوص میهمانان و واردین به صاحبخانه بود، و قسمت اندرونی که اختصاص به اهل خانواده صاحبخانه داشت و این طرز تقسیم فقط در پناه تعالیم عالیه اسلامی عملی می‌شد، چرا که بر طبق تعالیم اسلامی تأکید بر حرمت خانه و اهل آن می‌شد به گونه‌ای که اهل خانه از آمیزش با نامحرمان مصون بوده و چشم غیر بر ایشان نیفتد.

از جانبی در بازنگری طراحی کوچه‌ها و محلات شهرهای اسلامی، نظیر شهر حلب در شام، متوجه می‌شویم که کوچه‌ها و محلات فوق برخلاف آن چه برخی مستشرقین و صاحب نظران غربی پنداشته‌اند مجموعه‌ای درهم ریخته از اشکال هندسی و احیاناً فاقد یک نظم خاص و وحدت ترکیبی ویژه نیستند بلکه برعکس باید گفت طرح محلات و کوچه‌ها بر اساس قواعد هندسی منظم و دقیق بوده و این چیزی است که در سطوح عمده قابل دریافت است. ب.

چنان در دنیا زندگی کنید که گویی همیشه زنده هستید، و چنان آخرت خود را بسازید که گویی فردا خواهید مرد.

یا مضمون این آیه در قرآن مجید که می فرماید:

واتبع فيما أتاك الله لذآر الآخرة، ولاتنس نصيبك من الدنيا، واحسن كما احسن الله ليك، ولاتبع الفسَاد في الارض، ان الله لا يحب المفسدين....

(قصص، ۷۷)

عبارت دیگر در این مقوله از اصول شهرسازی اسلامی هم اصل زیبایی شناسی که بر آمده از ماهیت تفکر اسلامی بود قابل ملاحظه است.

سخن آخر

به واقع در بعضی بناهای دینی و شهری شهرهای اسلامی، چون مساجد، مدارس، خانه‌ها و حمام‌ها انسان متحیر می شود که می بیند چگونه معمار مسلمان قدیم توانسته است در هندسه بناها از مثلث ایجاد بی مستطیل طلایی دست یابد و از آن در طریق رسیدن هر چه دقیقتر و لطیفتر به موازین زیبایی و کمال در بناها که لامحاله الهام گرفته از روح اسلامی است استفاده نماید. آن چه در عین حال تجسم رشد و کمال زیبایی شناسی اسلامی منطبق بر موازین جدید و برخاسته از فکر اسلامی قدیم و همیشگی است.

در یک نتیجه گیری کلی باید افزود که بشریت برای تحقق بخشیدن به توازن نهایی روحیات خود و پس از فکر و جدل فراوان در این طریق نهایتاً به اسلام دست یافت تا از آن بتواند برای پایدار نگهداشتن علاقه میان ماده و روح، میان عقل از یک طرف و تمایلات و عواطف خود از جانب دیگر، و خلاصه بین دنیا و آخرت خویش و تمام آن چه انسان را در این طریق رهنمون می شوند استفاده نماید. لذا به همین واسطه بود که دیانت اسلام استحقاق آن را یافت تا خاتم ادیان آسمانی محسوب گردیده و پیامبر آن خاتم پیامبران باشد، پیامبری که از فرمایشات او یکی این بود که:



نیاز

فواب در میرت شب چه بی‌ثمر می‌ماند
 شب‌نم از مجب سمر چه بی‌صدا می‌شکند
 ابر دل نازک صبح چه بی‌فغان می‌گیرد
 بوی باران لطیف چه بی‌غبار از همه جا می‌آید
 باد با هلهله در طواف باغ چه بی‌قرار می‌چرزد
 فرقه سبز چمن چه با غرور فرش مرصع می‌گردد
 جان به فریاد اذان چه با شتاب مأذنه را می‌جوید
 بال ابریشم پروانه چه آرام غبار می‌روید
 نرگس چشم به راه چه با صفا تربت خاک می‌بوسد
 گل به زیبایی روز چه با شکوه می‌نگرد
 زائر عشق به همدردی خود،
 فط به فط سوره مق می‌خواند
 اشک، با موصله تسبیح نماز می‌گردد
 سائل مهر به ممراب نیاز،
 عطر ریمانه تکبیر به خود می‌پاشد
 یاس، در کوچه زندگی گلاب می‌ریزد
 لاله در قبه دل چه شرمگین دست به دعا می‌گیرد
 دشت سیمین فدا چه بی‌ریا دل به فدا می‌بندد

